

مقایسه انقلاب اسلامی با انقلاب‌های فرانسه و روسیه با تأکید بر دیدگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی)

چکیده

تحقیق حاضر در صدد مقایسه انقلاب اسلامی با انقلاب فرانسه و روسیه از منظر امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) است. آنچه انقلاب اسلامی را از سایر انقلاب‌های بزرگ دنیا همچون انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب روسیه، متمایز می‌سازد تا حد زیادی به ویژگی و ماهیت دینی این انقلاب باز می‌گردد. ویژگی‌هایی که انقلاب اسلامی ایران را از انقلاب فرانسه و روسیه متمایز می‌سازد عبارت‌اند از: امنیت و آزادی، معنویت و مردم‌گرایی رهبر، نقش رهبر و مردم در استمرار انقلاب اسلامی، همگانی بودن انقلاب، تاثیرگذاری انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی و تحولات جهانی، تأثیر امدادهای غیبی در پیروزی انقلاب. این مقایسه نشان می‌دهد انقلاب اسلامی، از جهات متعدد، مهم‌تر از انقلاب فرانسه و روسیه، بوده و گفتمان سومی را پیش روی انسان معاصر قرار داده است.

کلیدواژه: انقلاب اسلامی، انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه، امام خمینی علیه السلام، مقام معظم رهبری.

مقدمه

انقلاب اسلامی را باید سرآغاز تحولات بنیادین در ایران و جهان دانست. انقلابی که امام خمینی علیه السلام از آن با عناوینی چون «معجزه قرن» و «انفجار نور» یاد کرد؛ از این رو، می‌توان گفت «انقلاب اسلامی ایران» حرکت بی نظیری در تاریخ سیاسی جهان بود و ویژگی‌هایی دارد که آن را از انقلاب‌هایی همچون انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه متمایز می‌کند؛ همچنان‌که شهید مطهری فرمود: «انقلاب اسلامی ایران ویژگی‌هایی دارد که در مجموع، آن را در میان همه انقلابات جهان بی نظیر و بی‌رقیب ساخته است». ^۱ بعد از گذشت چهل سال بایسته است ویژگی‌های انقلاب اسلامی بازخوانی شود تا نسل جوان، بدانند که اینان میراث‌دار معجزه قرن هستند و جوانان پیش از آن‌ها، با خون خود سند پرافتخار انقلاب اسلامی را امضا کردند و اکنون اینان هستند که باید با صیانت از دستاوردهای انقلاب اسلامی، نگذارند انقلابشان به دست دشمنان، منافقان کوردل و جیره‌خواران استکبار جهانی آسیب ببیند. این نوشتار به مقایسه انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه و انقلاب روسیه پرداخته، نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی، از جهات متعدد، مهم‌تر از آن دو بوده و گفتمان سومی را پیش روی انسان معاصر قرار داده است.

۱- ماهیت دینی انقلاب

در بعد فرهنگی، نقش ایدئولوژی و نقش مذهب در انقلاب‌ها مقایسه می‌شود. به لحاظ طبقه‌بندی، تفاوت اصلی آن‌ها ناشی از نوع ایدئولوژی حاکم بر این انقلاب‌ها است. لیبرالیسم، ایدئولوژی انقلاب فرانسه بود.

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۳۷۰.

ویژگی اصلی این ایدئولوژی، اصالت فرد و آزادی‌های فردی و حمایت از بخش خصوصی و مادی‌گرایی است. این ایدئولوژی در پیشبرد انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه نقشی نداشت. «آلکسی دو توکویل»^۱ معتقد است که «انقلاب فرانسه که زیربنای لیبرالیسم دارد، نظام استبداد مذهبی کلیسایی را از خدا و پادشاهان گرفت و به مردم داد».^۲

مارکسیسم، ایدئولوژی انقلاب روسیه بود که بر پایه اصالت ماده، دیکتاتوری طبقه کارگر و تمرکز و انحصار ابزار تولید، استوار بود. این ایدئولوژی در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ نقشی نداشت. زیرا مارکسیسم، دین را، افیون توده‌ها می‌دانست و ضدیت با ادیان الهی را اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌کردند.^۳

اما ایدئولوژی انقلاب اسلامی بر پایه خداواری بنا شده و ویژگی مهم آن این است که حاکمیت اسلام، خواست همه مردم است؛ چنان‌که بعد از پیروزی انقلاب، مردم خواهان استقرار نظام جمهوری بر مبنای قوانین الهی اسلام بودند. بعضی از گروه‌های داخلی از «جمهوری دموکراتیک اسلامی» سخن می‌گفتند، اما امام می‌دانست که افزودن هرگونه پسوند یا پیشوندی بر جمهوری اسلامی، به منزله کارگزاردن خشت کجی است که مبنای نظام را به اعوجاج خواهد کشید و انقلاب اسلامی را از رشد و بالندگی در بستر «نه شرقی نه غربی» منحرف خواهد ساخت؛ از این رو، امام فرمود: «دعوت کنند به این که رأی بدهید به جمهوری اسلامی؛ این هم با همین کلمه: نه یک حرف زیاده‌تر و نه یک حرف کمتر».^۴

1. Alexis de Tocqueville.

2. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/11/15>

۳. همان.

۴. صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۲۴.

۲- امنیت و آزادی

یکی از تفاوت‌های انقلاب اسلامی با دو انقلاب روسیه و فرانسه، در برقراری امنیت و آزادی بعد از پیروزی نمود پیدا می‌کند؛ یعنی در فرانسه و روسیه، بعد از پیروزی انقلاب، مردم به دلیل درگیری‌ها و اختلافات، امنیت و آزادی نداشتند، به گونه‌ای که صدها نفر در این دو کشور کشته شدند، چنان‌که مقام معظم رهبری فرمود: «... شما بیست سال بعد از «انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی» را نگاه کنید؛ دیکتاتوری سیاه استالین بر شوروی در آن بیست سال حاکم بود که صدها هزار آدم به جرم مخالفت با حکومت استالین یا توهم مخالفت، اعدام و نابود شدند! و چند برابر آن به سبیری، تبعید شدند». ^۱ همچنین آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که انقلاب فرانسه نیز پیش از انقلاب روسیه، سرنوشتی از همین دست داشت: «... در طول ده سال از انقلاب فرانسه حدود دوازده هزار نفر زیر تیغ گیوتین رفتند. همه این دوازده هزار نفر نیز از رهبران انقلاب بودند». ^۲ به عبارت دیگر، معروف است که انقلاب فرزندان خود را می‌خورد؛ بدین گونه که در هر انقلابی، انقلابیان یکدیگر را نابود می‌کنند و این سرنوشت محتوم هر انقلاب است. استناد به این مثل معروف بیش‌تر ناظر به سرنوشتی است که همه انقلابیان و به‌ویژه رهبران در انقلاب‌های فرانسه و روسیه دچار آن شدند؛ چنان‌که مطالعات تاریخ انقلاب این دو کشور گویای این ادعاست: هنوز ده سال از پیروزی انقلاب این دو کشور نگذشته بود که تقریباً همه رهبران شناخته‌شده انقلاب دچار چنان اختلافاتی شدند که راهی جز حذف یکدیگر از صحنه سیاست و انقلاب و بلکه از صحنه روزگار نمی‌دیدند. در انقلاب فرانسه تیغ گیوتین هر روز

1. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2933>

2. <http://farsi.khamenei.ir/others=32196>

آمادهٔ بریدن سر تعدادی از رهبران انقلابی بود؛ حتی کسانی که تا روز قبل در اوج قدرت و حاکمیت بودند، روز بعد به تیغ گیوتین سپرده می‌شدند. در انقلاب روسیه رهبران انقلاب آن‌چنان به جان هم افتادند که هم زمینه را برای صعود استالین به دیکتاتوری مطلق فراهم کردند و هم خود را به نابودی کشاندند. البته در دوران ده‌سالهٔ اول بعد از پیروزی انقلاب روسیه قتل عامی مشابه انقلاب فرانسه صورت نگرفت، ولی به مجرد برقراری حاکمیت مطلق استالین، با تشکیل دادگاه‌های فرمایشی و ایجاد اردوگاه‌های کار اجباری به‌ویژه در سبیری، قتل عام‌های بسیاری صورت گرفت و شمار زیادی از رهبران انقلاب یکی پس از دیگری به جوخهٔ اعدام سپرده یا ترور شدند.

در انقلاب اسلامی بسیاری از رهبران انقلاب به شهادت رسیدند، ولی همهٔ این‌ها نه از سوی انقلابیان، بلکه به دست ضدانقلاب صورت گرفت. از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های مخالف با انقلاب که نه در پیروزی انقلاب نقشی داشتند و نه پایگاه‌چندانی در میان توده‌های مردم انقلابی، وقتی از تحصیل قدرت به طریق مبارزهٔ سیاسی و مردمی مأیوس شدند، به کشتار بی‌رحمانهٔ رهبران انقلابی و حتی مردم عادی روی آوردند. شهادت آیت‌الله مطهری، دکتر بهشتی، رجایی، باهنر و... را می‌توان از نمونه خساراتی دانست که به کادر رهبری انقلاب اسلامی وارد آمد. اما در دو انقلاب فرانسه و روسیه، ضدانقلاب از همان آغاز قلع‌و‌قمع شدند و دیگر محلی از اعراب نداشتند تا رودرروی انقلاب بایستند. بنابراین اگر برای انقلاب فرانسه و روسیه عبارت معروف «انقلاب فرزندان خود را می‌خورد» صادق باشد، در انقلاب اسلامی باید

گفت «ضدانقلاب فرزندان انقلاب را می‌خورد».^۱ بر همین اساس، امام عقیده دارد که انقلاب اسلامی با دو انقلاب فرانسه و روسیه تفاوت بنیادی دارد؛ زیرا به مجرد پیروزی انقلاب، امنیت و آزادی برقرار شد. امام فرمود: «... ما به مجردی که انقلاب واقع شد و پیروز شدیم، تمام راه‌ها باز بود بر دنیا. تمام احزاب آزاد بودند و تمام جمعیت‌ها آزاد بودند...؛ نظمش برقرار بود؛ و بی‌نظمی آن طوری که در مثل انقلاب اکتبر واقع شد، مثل انقلاب فرانسه واقع شد، این قتل و غارت‌ها نبود در ایران».^۲

۳- معنویت و مردم‌گرایی رهبر

نقش رهبران انقلاب را در سه بعد مهم می‌توان مشاهده کرد که عبارت است از «رهبر به عنوان ایدئولوگ انقلاب»، «رهبر به عنوان فرمانده» و «رهبر به عنوان معمار نظام بعد از پیروزی انقلاب». در مقایسهٔ اجمالی میان نقش رهبران در سه انقلاب، مشاهده خواهیم کرد که رهبر انقلاب اسلامی، دارای قدرت، امتیازات و ویژگی‌هایی استثنایی بود که دو انقلاب فرانسه و روسیه از آن بی‌بهره بودند.

۱. در انقلاب‌های فرانسه و روسیه رهبران انقلاب از طبقات متوسط و بالای جامعه بودند، در حالی که در انقلاب اسلامی ایران، رهبران انقلاب وابسته به طبقات محروم جامعه بودند.

۲. در انقلاب‌های فرانسه و روسیه به‌ویژه در انقلاب روسیه، رهبران، مدافع و نمایندهٔ طبقه‌ای بودند که خود متعلق به آن طبقه نبودند، در حالی

۱. منوچهر محمدی، *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه*، ص ۳۳۱-۳۳۲.

۲. *صحیفهٔ امام*، ج ۱۱، ص ۱۲۹.

که در انقلاب اسلامی، رهبران انقلاب، مدافع طبقه‌ای بودند که خود از آن طبقه برخاسته بودند.

۳. در انقلاب‌های فرانسه و روسیه طبقه روشنفکر و تحصیل کرده رهبری انقلاب را بر عهده داشته و اشراف و روحانیان نقش ضدانقلاب را داشتند، در حالی که در انقلاب اسلامی، رهبری ضدانقلاب را روشنفکران وابسته به چپ و راست بر عهده داشتند.

۴. در انقلاب فرانسه و روسیه ما چهره شاخصی را نمی‌یابیم که همه ویژگی‌های سه‌گانه رهبری را داشته باشد. در انقلاب فرانسه چهره‌هایی مانند لافایت، روبسپیر، شارل دوک اورلئان مطرحند که هیچ‌کدام رهبری انقلاب را در تمام دوران شکل‌گیری و پیروزی آن در دست نداشتند. در انقلاب روسیه چهره‌های لنین از چهره‌های شاخص این انقلاب بود که برای به مرحله عمل درآوردن، محوریت داشت؛ در حالی که در سقوط رژیم رومانوف‌ها مطلقاً نقشی نداشت. چهره‌هایی مانند زینوویف، کامنف، استالین، تروتسکی و کرنسکی... دخالتی در سقوط رژیم نداشتند.

به طور خلاصه نه در انقلاب فرانسه و نه در انقلاب روسیه، به چهره‌ای با ویژگی‌های ایدئولوگ و فرمانده انقلاب برخورد نمی‌کنیم. افراد نامبرده هیچ‌کدام نه ایدئولوگ انقلاب بودند و نه فرمانده آن، بلکه سازندگان و معماران دولت‌های بعد از انقلاب بودند که بر اسب سرکش تحولات بعد از سقوط نظام سوار شدند و در تحولات بعدی اثر گذاردند؛^۱ و حال آن‌که در انقلاب اسلامی از رهبر به عنوان ایدئولوگ انقلاب، رهبر به

۱. منوچهر محمدی، *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه*، ص ۴۹

عنوان فرمانده و رهبر به عنوان معمار نظام بعد از پیروزی انقلاب یاد می‌شود.^۱ در ایران از آغاز حرکت اسلامی در سال ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ و بعد از آن امام خمینی علیه السلام رهبر بلا معارض انقلاب است. ایشان با کسب مرجعیت دینی، بر خوداری از پایگاه معنوی، در رهبری نهضت نقش مهمی ایفا کردند؛ حتی بعد از رحلتشان نیز همچنان گفتار، راه و اهداف امام دنبال می‌شود.^۲ بر این اساس، به جرأت می‌توانیم بگوییم که اگر ولایت فقیه وجود نداشت، ما نیز به همان سرنوشت (روسیه و فرانسه) دچار می‌شدیم.^۳

۴- نقش رهبر و مردم در استمرار انقلاب

یکی از تفاوت‌های انقلاب اسلامی با انقلاب فرانسه و روسیه در بقا و زوال ظاهر می‌شود؛ یعنی انقلاب فرانسه و روسیه دوام پیدا نکردند، اما انقلاب اسلامی استمرار یافت. مقام معظم رهبری در این خصوص فرمود: «... مثلاً انقلاب معروف فرانسه... بالاخره به پیروزی رسید، اما بقای این انقلاب به پانزده سال هم نرسید. انقلاب ضدسلطنت بود؛ کمتر از پانزده سال بعد از شروع انقلاب، سلطنت ناپلئون شروع شد؛ یک سلطنت مطلقه کامل؛ بعد هم به کلی انقلاب فراموش شد! همان کسانی که رفته بودند، خانواده‌ای که با انقلاب برافزاده بودند، همان‌ها برگشتند، سلطنت کردند، سال‌های متمادی حکومت کردند، و در حدود صد سال این کشمکش در فرانسه وجود داشت تا بالاخره آن جمهوری‌تی که

۱. همان.

2. <http://www.jamnews.com/TextVersionDetail/294079>

3. <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=32196>

انقلاب به دنبال آن بود، بعد از حدود نود سال یا صد سال برقرار شد. انقلاب شوروی هم یک جورِ دیگر، آن هم همین جور. این که یک انقلاب بتواند بماند، خیلی مسأله مهمی است»^۱؛ اما انقلاب اسلامی با اقتدار و عزت هنوز مسیر خود را ادامه می‌دهد. از این رو، امام از انقلاب اسلامی به عنوان انقلاب نمونه یاد می‌کند: «شما می‌دانید که این انقلاب ایران یک انقلاب نمونه است؛ از حیث این که انقلاب‌هایی که در دنیا بوده است... این‌ها با یک کودتای نظامی، بسیاری از اوقات واقع می‌شده است، و یک قدرت شیطانی می‌رفته است، یک قدرت شیطانی دیگر جایش می‌آمده است؛ و به مجرد این که انقلاب می‌شده است و این کودتا تحقق پیدا می‌کرده است، دست و دهان و قلم همه را می‌شکستند»^۲.

مقام معظم رهبری نیز فرموده‌اند: «... نکته اساسی در انقلاب ما این بود که نقش مردم با پیروزی انقلاب تمام نشد...؛ همان روزها بعضی‌ها بودند که می‌گفتند خیلی خوب، انقلاب پیروز شد، مردم برگردند بروند خانه‌هاشان. امام محکم ایستاد و کارها را به مردم سپرد. یعنی پنجاه روز بعد از پیروزی انقلاب، نظام سیاسی کشور به وسیله رفتارندوم مردم تعیین شد...؛ در این دویست سال اخیر در هیچ انقلابی چنین اتفاقی نیفتاده است»^۳. همچنین توده‌های مردم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بارها در انتخابات شرکت کرده‌اند و حتی در شرایط بحرانی و بمباران شهرها، هیچ یک از انتخابات‌های لازم... متوقف نشده یا به تأخیر نیفتاده است. از همه

1. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31906>

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۲۳.

3. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17510>

مهم‌تر حضور همه‌ساله مردم در اجتماعات و تظاهرات میلیونی به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب، نشانه بیداری و حمایت توده‌های مردم از انقلابشان است. نمونه دیگر از این حمایت‌ها حضور عظیم ده میلیونی مردم در مراسم تشییع پیکر رهبر انقلاب بود که پایبندی خود را به اصول و آرمان‌های انقلاب نشان دادند.

امروز نیز با گذشت بیش از چهار نسل، همچنان روحیه انقلابی در مردم زنده است. همچنان جوانان حاضر در مراسم ۱۳ آبان، مانند سال ۵۷، شعار «مرگ بر آمریکا» سر می‌دهند...؛ انقلاب ما مانند دیگ جوشانی است که دائماً تفال‌ها را بیرون می‌اندازد و زلال باقی می‌ماند.^۱

۵- همگانی بودن انقلاب

در میان رویدادهای بزرگ اجتماعی و سیاسی جهان، انقلاب‌های فرانسه، روسیه و ایران، شاخص‌ترین آن‌ها محسوب می‌شوند. مردم فرانسه در سال ۱۷۸۹ و روس‌ها در سال ۱۹۱۷ شاهد جابه‌جایی قدرت در کشورشان بودند؛ اما آن دو از نظر گستردگی دامنه مبارزات و همگانی بودن انقلاب، با انقلاب اسلامی و حضور میلیونی مردم ایران قابل مقایسه نیست؛^۲ زیرا میزان مشارکت مردم در کشور فرانسه محدود به یک درصد از جمعیت اشراف بود که با نظام همکاری نکردند. در حقیقت، اشراف طبقه اصلی مخالفان را تشکیل می‌داد و منطقه فعال انقلابی در فرانسه، پاریس به حساب می‌آمد؛ لذا میزان مشارکت مردم در براندازی رژیم مستبد، بسیار اندک بود.^۳

1. <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=32196>

2. <http://www.irna.ir/fa/News>

3. <https://hawzah.net/fa/Article/View/4807>

در انقلاب روسیه نیز معدودی از کارگران کارخانه‌ها و از طریق اعتصاب، در سقوط نظام شرکت داشتند و کارگران و سربازان طبقه اصلی انقلابی را تشکیل دادند و منطقه فعال انقلابی در این کشور محدود به سن پترزبورگ و مسکو بود. در حقیقت، همین کارگران کارخانه‌های سن پترزبورگ و سربازان پادگان این شهر سر به شورش برداشتند و اسباب سقوط خاندان «رومانوف» را فراهم کردند. بعد از پیروزی انقلاب در فرانسه و روسیه و با گسسته شدن زنجیرهای دیکتاتوری، اگرچه زمینه مناسب برای رشد آگاهی سیاسی و مشارکت توده‌های مردم، هموار شد؛ مطالعات بعدی نشان داد که باز به تدریج و در اثر بی میلی حاکمیت‌های بعد از انقلاب، مشارکت مردمی کاهش یافت؛ اما در انقلاب اسلامی ایران به استثنای اقلیتی محدود و بخش اعظم ارتش که وابسته به نظام گذشته بودند، جملگی مردم از همه طبقات و گروه‌های اجتماعی در سراسر کشور - اعم از شهرها و روستاها، کارگران و کارمندان - چرخ‌های اقتصادی و اداری کشور را از کار انداختند و... آن را ساقط کردند.^۱

رهبری معظم انقلاب فرمود: «در انقلاب اسلامی، همه مردم، همه قشرهای مردم، از شهری و روستایی، از زن و مرد، از پیر و جوان، از تحصیل کرده و بی سواد، همه در کنار هم حضور پیدا کردند...؛ و توانستند یک رژیم تا دندان مسلح متکی به قدرت‌های استکباری را از پا آورند و انقلاب را پیروز کنند».^۲

فرد هالیدی^۳ معتقد است که... انقلاب ایران مردمی و فراگیر بود؛ اما

1. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/11/15/271254>

2. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17510>

۳. نویسنده و کارشناس مسائل خاورمیانه.

انقلاب شوروی عمدتاً متکی به هسته حزبی بود و فقط در چند شهر متمرکز بود.^۱ از سوی دیگر، نقش بارز مردم ایران در دوران بعد از پیروزی انقلاب و برگزاری همه‌پرسی مارچ ۱۹۷۹ برای تعیین نوع حکومت دلخواه مردم (۹۸/۲ جمهوری اسلامی را انتخاب کردند)، نشان داد که انقلاب اسلامی در تاریخ انقلاب‌های جهان، بی‌نظیر است، به گونه‌ای که در تاریخ، هیچ حاکمیت برآمده از یک انقلاب مردمی را نمی‌توان یافت که مثل انقلاب ایران، پس از سرنگون کردن نظم کهن، خواستار نظر ملت درباره شکل و ساختار نظام جدید شده باشد. تجربه انقلاب‌ها، به ویژه انقلاب‌های فرانسه و روسیه، نشان می‌دهد که انقلاب‌ها معمولاً با اتکا به یاری مردم، البته در سطوح مختلف، به پیروزی رسیده‌اند؛ اما زمانی که سکانداران انقلاب، یا حاکمان جدید کشور، از شانه‌های مردم به زیر آمده و در قصرهای دولتی مستقر شده‌اند، دل‌نگرانی و دغدغه اصلی آنان، حفظ قدرت بوده است.^۲

۶- تأثیر‌گذاری انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی و تحولات جهانی

انقلاب اسلامی ایران با آگاهی‌های عمیقی که در میان ملت‌های مسلمان به وجود آورد، زمینه تحولات سیاسی ریشه‌دار و حرکت‌ها و سازماندهی‌های سیاسی چشم‌گیری را فراهم آورد و امروز در قالب بیداری کشورهای اسلامی منطقه، موجودیت نظام‌های وابسته به غرب را متزلزل ساخته است. بر همین اساس، الکساندر هیگ^۳ گفته است: «به نظر

۱. محمدباقر حشمت‌زاده، چهارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب، ص ۲۰۴ و ۲۳۶.

۲. <http://www.afghanirca.com/newsIn.php?id=63911>

۳. وزیر دفاع اسبق آمریکا (Alexander Haig)

من خطرناک‌تر و مهم‌تر از این مشکلات بین‌المللی، عواقب گسترش بنیادگرایی اسلامی است که در ایران پا گرفته است و اکنون عراق و رژیم‌های عرب میانه‌رو را در منطقه تهدید می‌کند. اگر این از کنترل خارج شود، منافع ابرقدرت‌ها را به خطرناک‌ترین وجه، به مخاطره خواهد انداخت.^۱ همچنین یکی از استراتژیست‌های آمریکا می‌گوید: «در تمامی نهضت‌های اسلامی پدیدآمده، به نحوی می‌توان ردپایی از انقلاب اسلامی را مشاهده کرد...؛ اینک در چهارگوشهٔ عالم می‌توان انعکاس گرایش‌های اسلامی ملهم از انقلاب اسلامی ایران را به‌روشنی مشاهده کرد».^۲ از سوی دیگر، امروزه ایران در تحولات سیاسی، نظامی و اقتصادی جهان تأثیرگذار است. این امر به گونه‌ای است که ایران به عنوان قدرت مهم در منطقه و حتی جهان، مطرح و مواضع آن در معادلات و تحولات جهان نقش اساسی دارد، همچنان‌که امام خمینی علیه‌السلام فرمود: «کشور شما امروز یکی از قدرتمندترین کشورهای جهان است، باید سعی کنیم این قدرت را حفظ کنیم...».^۳ از همه مهم‌تر این‌که استراتژی ایران، آمریکا را منزوی و تمدن آن را به چالش کشیده است. البته این عزت و قدرت، تحریم و بحران اقتصادی را در پی داشت، اما این موفقیت ارزش آن را دارد که مردم انقلابی ایران فشارهای اقتصادی را تحمل کنند و با هر سختی‌ای کنار بیایند که در پی هر سختی آسانی است: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^۴

1. <https://www.porseman.com/article>

۲. همان.

۳. صحیفهٔ امام، ج ۱۸، ص ۱۵۱.

۴. سورهٔ انشراح، آیهٔ ۶.

۷- امدادهای غیبی

یکی از امتیازهای انقلاب اسلامی، معنویت‌باوری است؛ معنویت‌باوری که قافله انقلاب را به مقصد رساند و اگر معنویت‌اندیشی نبود، ممکن بود انقلاب دچار مشکل جدی شود؛ زیرا انقلاب اسلامی با موانعی بسیار، مانند جنگ تحمیلی، تحریم و کودتا روبه‌رو شد و این موانع می‌توانست منجر به شکست انقلاب شود و یا آن را دچار بحران جدی کند؛ بحرانی که در قالب حمله نظامی، مانند حمله آمریکا به ایران در طبرس، جنگ هشت‌ساله و جنگ اقتصادی و روانی نمود پیدا کرد؛ از این رو، بارها امام امدادهای غیبی را یکی از عوامل پیروزی و دوام انقلاب دانست: «... دیگر قشرها قیام کردند، نهضت کردند و نترسیدند از هیچ چیز، و خدای تبارک و تعالی آن‌ها را امداد کرد و به امدادهای غیبی و جلوه‌های معنوی ما را رسانده‌اند به این که آزاد شدیم».^۱

بنابراین، می‌توان گفت که یکی از عوامل پیروزی و بقای انقلاب اسلامی، امدادهای غیبی است که انقلاب فرانسه و روسیه فاقد آن بودند؛ چنان‌که امام علیه السلام فرمود: «این یک نهضت الهی بود. نهضت مثل نهضت‌های آن‌هایی که به خدا اعتقاد ندارند یا آن‌هایی که نهضت‌هایشان نهضت‌های جهت‌مادی بوده است، نبوده است. نهضت ایران، نهضتی بود که خدای تبارک و تعالی در آن نقش داشت».^۲

برخی اندیشمندان غربی نیز معتقدند که برای انقلاب اسلامی پشتوانه غیرمادی وجود دارد، چنان‌که میشل فوکو^۳ معتقد است این انقلاب نمی

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۲۶.

۲. همان ج ۸، ص ۶۴.

۳. فیلسوف مشهور فرانسوی.

تواند با انگیزه‌های اقتصادی و مادی صورت گرفته باشد؛ زیرا مشکلات اقتصادی ایران در حدی بزرگ نبود که در نتیجه آن، میلیون‌ها ایرانی به خیابان‌ها بریزند و قیام کنند. پس، ریشه این انقلاب را باید در جایی دیگر جست‌وجو کرد.^۱

۸- تحقق اهداف انقلاب

یکی از تفاوت‌های مهم انقلاب اسلامی با انقلاب‌های فرانسه و روسیه در تحقق اهداف، نمود پیدا می‌کند؛ یعنی آن دو انقلاب به اهداف کلان خود نرسیدند؛ زیرا انقلابیان فرانسه که خواهان پیاده‌سازی نظام دموکراتیک بودند و بلشویک‌ها که خواستار سیاست‌های سوسیالیستی بودند، به هدف خود نرسیدند؛ زیرا «امروز هر دو انقلاب مزبور بدون آن‌که توانسته باشند بهشت موعود خود را ارائه کنند، به انتهای راه خود رسیده‌اند. نه لیبرالیسم، آزادی واقعی‌ای را که خواست روح بشر باشد، توانست تأمین کند، بلکه بر عکس او را برده قیدوبندهای مادیات جوامع صنعتی نمود؛ و نه سوسیالیسم توانست عدالت اجتماعی را تأمین کند».^۲ از همه مهم‌تر این‌که بشر امروز نه ایدال‌های انقلاب فرانسه را می‌طلبد و نه دیگر امیدی به بهشت موعود بلشویک‌های روسیه بسته است. بشر امروز جامعه‌ای را می‌خواهد که از یک سو، موجبات ارتقای انسان‌ها و آرامش روحی و جسمی او در آن فراهم شده باشد و از سوی دیگر، آزادی‌های سیاسی و عدالت اجتماعی هیچ‌یک قربانی دیگری نشود. چنین خواسته‌هایی هرگز

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳/۳/۱۳۸۷.

۲. منوچهر محمدی، *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه*،

در چارچوب ایدآلهای مادی و دنیایی مکاتب انقلاب‌های فرانسه و روسیه تأمین‌شدنی نبود. دنیای مادی برای روح الهی، بلندپرواز و در عین حال کنجکاو بشر، دنیایی تنگ و تاریک شده است. بدیهی است که در چنین شرایط مایوس‌کننده‌ای ما شاهد بازگشت بشر به جانب مذهب و شاهد پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان انقلابی بشری باشیم که با تکیه بر مذهب تحقق یافته است.^۱ از سوی دیگر، «بیست سال بعد از انقلاب فرانسه، برای بناپارت هیچ افتخاری از لحاظ آرمان‌های انقلاب و آن حرف‌هایی که «ژان ژاپلوسه» و «ولتر» و دیگران می‌گفتند، در حکومت فرانسه، مطلقاً وجود نداشت».^۲ همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمود: «... یک دوره ۲۴ ساله دیکتاتوری مطلقه در فرانسه حاکم می‌شود و مجدداً همه منابع کشور در اختیار جنگ قرار می‌گیرد. پس از ناپلئون نیز برادرزاده او به قدرت می‌رسد. در واقع، کار را به جایی می‌رسانند که مردم را از انقلاب پشیمان می‌کنند. به این ترتیب، مردم خواهان بازگشت به دوران قبل می‌شوند که به این دوره «ترمیدور» می‌گویند. کرین بریتون در کتاب *کالبدشکافی چهار انقلاب* بر همین اساس، نظریه «پاتولوژی انقلاب» را ارائه می‌کند. او بر این باور است که انقلاب مانند تپی است که در بدن سالمی وارد می‌شود، بدن را دچار بحران می‌کند و پس از یک دوره بحرانی، به دوران قبلی خود بازمی‌گردد. در انقلاب فرانسه نیز واقعاً همین اتفاق افتاد؛ چراکه فرانسه انقلابی پس از چهل سال با کشورهای اروپایی که انقلاب نکرده بودند، هیچ تفاوتی نداشت».^۳

۱. همان، ص ۳۴۰ - ۳۴۱.

2. <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index-old?tid=2538#20868>3. <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog=32196>

اما انقلاب ایران در تحقق بیش‌تر اهداف کلان خود موفق بود؛ زیرا از اهداف کلان انقلاب اسلامی که احیای دین، گرایش جهانیان به اسلام، ایجاد حکومت اسلامی، معنویت‌اندیشی و استقلال بود؛ تحقق یافت. برخی اندیشمندان غرب نیز معتقدند که انقلاب اسلامی به اهداف کلان خود دست یافته است. تدا اسکاچ پول^۱ می‌نویسد: «انقلاب اسلامی به دنبال پیروی از برنامه‌های انقلاب دموکراتیک فرانسه یا برنامه‌های سوسیالیستی انقلاب روسیه نبود، بلکه به دنبال... استقرار جامعه‌ای مستحکم و نوین بر اساس مکتب پویا و سازنده اسلام بود».^۲ همچنین جیمز بیل^۳ می‌گوید: «... از نقطه‌نظر محافل سیاسی، ارزشمندترین دستاورد انقلاب اسلامی را می‌توان در بیداری مسلمین جهان و احیای اسلام به عنوان نظام یک جامعه سیاسی مکتبی خلاصه کرد و همه این‌ها برخاسته از روح متعالی و تفکر ناب اسلامی و سیاسی امام خمینی علیه‌السلام می‌باشد».^۴ از سوی دیگر، انقلاب اسلامی در دنیای اسلام و دنیای عرب، امیدها را زنده کرد؛ همچنان‌که رهبر معظم انقلاب فرموده‌اند: «وقتی انقلاب ما پیروز شد، به طور کلی دنیای عرب و دنیای اسلام در یک حال رکود و سکوت و نومیدی به سر می‌برد؛ صهیونیست‌ها کار خودشان را پیش برده و همه را ترسانده بودند و هیچ ملتی گمان نمی‌کرد در امیدی برایش باز باشد. ناگهان دروازه عظیم فَرَج گشوده شد و ملت‌ها امید پیدا کردند...؛ شما ببینید امروز ملت فلسطین با همه وجود وسط میدان آمده

۱. جامعه‌شناس آمریکایی.

2. <https://hawzah.net/fa/Article/View/4807>

۳. نظریه‌پرداز آمریکایی.

۴. مجموعه مقالات چهارمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی امام خمینی علیه‌السلام، ص ۱۷۱.

است...؛ این فقط شکست اسرائیل نیست؛ این شکست امریکاست.^۱ البته برای رسیدن به همه اهداف^۲ باید تلاش کرد؛ از این رو، مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «من اعتقاد این است که در بسیاری از اهداف خود هنوز در نیمه راه هستیم...»^۳ اما آینده بسیار روشنی پیش روی ماست، که به سمت آن در حرکتیم؛ آینده‌ای که ملت ایران خواهد توانست به برکت اسلام و نظام اسلامی، هم عدالت اجتماعی و رفاه مادی داشته باشد، و هم به استقلال کامل دست یابد.^۴

۹- حمایت از مظلومان و مستضعفان

یکی از امتیازات انقلاب اسلامی حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان است، یعنی استراتژی جمهوری اسلامی فرامنطقه‌ای و مبتنی بر حفظ کرامت و حمایت از مستضعفان جهان می‌باشد، چنان‌که در اصل سوم قانون اساسی ایران آمده است؛ دولت جمهوری اسلامی موظف است سیاست خارجی کشور را طوری تنظیم نماید که بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان باشد. اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین جهان حمایت می‌کند. نمونه عینی آن حمایت از فلسطین است،^۵ مقام معظم رهبری فرمود: «امروز

1. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3223>

۲ به مقاله «موانع پیشرفت انقلاب اسلامی» از همین کتاب مراجعه شود.

3. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3223>

4. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25271>

5. <http://dari.irib.ir/radioislam/item/56193>

جمهوری اسلامی بحمدالله در منتهای قدرت و قوّت است و ایستاده است. و ما حرفمان را صریح می‌زنیم و پای حرفمان می‌ایستیم و هر جایی که احتیاج به حضور ما باشد، هر جایی که احتیاج باشد به کمک ما در مواجهه و مقابله با کفر و استکبار، کمک‌مان را به آنجا می‌کنیم.^۱

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران دارای امتیازات گوناگونی است و در مقایسه با انقلاب فرانسه و روسیه در ویژگی‌های زیر متمایز می‌شود: ماهیت دینی انقلاب، امنیت و آزادی، معنویت و مردم‌گرایی رهبر، نقش رهبر و مردم در استمرار انقلاب، همگانی بودن انقلاب، تاثیرگذاری انقلاب در بیداری اسلامی و تحولات جهانی، امدادهای غیبی و تحقق اهداف انقلاب.

1. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38302>